

لوسی کودکان

دکتر علی قاضی

مقدمه

اینکه لوسی چیست باید گفت رفتاری است موفعانه وناسی از ناربروردکی که در آن فرد برای دستیابی به هدف خود به سوء استفاده ارعاطفه دیگران می پردازد. پدري، مادري و با فردی صحبت و عنایینی را واجد است و عرضه می دارد و ظرف با آگاهی از این عنایت سعی دارد آن را محمل و وسیلهای قرار داده و به مقصد خویش دست یابد.

کودک لوس کودکی است که صحبت والدین را بیل قرارداده و با نق ردن و کریستن، بهانه - کبری ولجباری می کوشد مسئولان و سربسان خود را قانع کند که به خواسته هایش جامه عمل ببوشانند. البته برخی از پدران و سادران در برابر این حالات موضع اندیشیده گرفته سعی دارند تسلیم راءی و نظر ناصواب کودکان نگردند. بسته به اینکه اینگونه موضعگیری ها چگونه و با چه صورتی باشند دارای آثار مثبت



از مسائل خانواده ها و جماعات و نیراز مشکلات تربیتی بسیاری از کودکان ساءله لوسی و نری آنهاست این امر که در خانواده های مرفه و آنهایکه در تولید نسل و حفظ و صیانت فرزندان از خطر مرک دشواری هائی داشته اند بیشتر دیده می شود ساءلهای است نسبتا " حاد و دشواری آفرین که زیانهای برای فرد و جامعه به همراه دارد.

کودکان لوس بخاطر این حالت و رفتاری مشکلاتی در زندگی حال و آینده مواجهند که هر کدام چون باری سنگین بسر دوش آنهاست. اجتماع هم بدان خاطر که با افرادی نامتعادل و پرتوقع مواجه است مشکلاتی دارد. حاصل مجموعه آن عدم توان همزیستی مسالمت آمیز و داشتن اجتماعی سالم است.

مادر این بحث می خواهیم ضمن طرح مساله از علل و عوامل آن سخن بمیان آورده و شیوه های درمان و اتخاذ موضعی را که در این رابطه باید مطرح باشند عرضه بداریم و البته سعی بر این است که در توضیح این بحث جنبه اختصار را مورد رعایت قرار دهیم.

با منفی خواهند بود. در قبال آنان گروهی دیگر از والدین و مربیان را می بینیم که تسلیم خواسته های کودکان شده و برای اسازمینده را برای ایجاد عادت بد لوسی و نتری فراهم می کنند.

آغاز بروز لوسی

ایجاد رابطه و درک روابط متقابل برای کودکان قبل از سه ماهگی شاید معنی و مفهومی نداشته باشد ولی از حدود ۴ ماهگی کودک با نخستین لبخندی که به چهره مادر می زند باب ارتباط خود را به روی او گشوده و بالبخند رضایت آمیز سرور و نشاط خود را به مادر همه می کند.

در همین سن کودکان بتدریج شروع به ارزیابی وضع و موقعیت خود کرده و هم می کوشند نظر والدین را درباره خود دریابند. اینکه با نخستین کریه و فریاد مادر را در کنار خود بیاید خوبست ولی متوجه این مسأله می شود که محبوب است و بعدها سگراست ایمن محبوبیت را حربه ای قرار دهد برای دستیابی به اهداف و مقاصدی که شاید هم چندان مشروع نباشند.

کودکی که از خردسالی از مادر حمایت افراطی می بیند، کوش درد و دندان درد دارد و مادر را زیاد متوجه خود می بیند. بدان عادت کرده، توقع دارد که آن حمایت برای همیشه موجود باشد. حتی پس از یافتن سلامت سعی دارد آن حمایت را از دست ندهد و یا مختصر ناله و آهی مادر را در کنار خود بیاید و این آغاز و مقدمه لوسی است.

از حدود ۴ - ۵ ماهگی مادران باید مراقب باشند که طفل را زیاد بغلی بار نیاورند و یا

زیاده از حد به آنها استقلال ندهند. زیرا آنها حقایق را درک نکرده و با سوء استفاده از آن از لوسی و نتری سردر می آورند. همچنین درسین ۲ - ۳ گاهی مادران به هنر نمائی فرزندانشان زیاد افتخار کرده و بدین وسیله غرور و خودخواهی - شان را تحریک می کنند. طفل به زمین می خورد دستپاچه می شوند، دستش خراشی برمی دارد خود را می بازند، مختصر دردی احساس می کند دست روی عضو درد می گذارند و کار و زندگی خود را تعطیل می کنند. اینها همه از عوامل لوسی و نتری کودکان است.

علل و انگیزه های لوسی

بحث این است که چه عوامل و انگیزه هایی زمینه ساز لوسی کودکان است؟ در پاسخ باید یاد آور شویم که عوامل بسیاری در این زمینه دخالت دارند که برخی از آنها بدین قرارند:

- برآورده شدن همه هوسهای کودک توسط والدین او، بگونه ای که او مزه محرومیت را نچشد.
- محبت افراطی و زیاده روی در نوازش کودکان و بحساب آوردنش بگونه ای که امر بر خودش مشتبه شود.

- حمایت زیاده از حد در هر بلا و محنت و مصیبت بگونه ای که درد ناگامی و شکست را بخشیده باشد.

- وابستگی شدید به والدین بگونه ای که همه رفتار او تحت امر و نهی والدین باشد.

- اطاعت و تبعیت کورکورانه و بحساب از کودک.

- سرپوش گذاردن بر خطاهای کودک و جلوگیری از تنبیه بجای او و اغماض بی حساب.

- حل مسائل و دشواریهای کودک و تصمیم گیری

و عمل بجای او .

- میدان دادن بیش از حد ظرفیت به کودک
- کنترل شدید بگونه ای که هیچ چشم زخمی به کودک نرسد .
- رسیدگی زیاد به کودک برای ارجح بار آوردن او .
- آزاد گذاردن بیش از اندازه به کودک (براساس تحقیقات سیرز)
- گاهی فقدان عشق و محبت و امنیت که او را ناراضی بار می آورد و لوس .

- زمانی افراط در اجرای انضباط و درخواست اطاعت قانونی از آن و برخورد خشک با کودک
- تعریف و ستایش بیش از حد که غرور او را برانگیزاند .

و در کل برآورده کردن همه آرزوها و نیازهای کودک بخاطر احساس مسئولیت شدید درباره کودک و یا اثبات شایستگی خود .

عوامل تشدید آن

- مسائل و جریاناتی هستند که سبب تشدید لوسی و نتری کودکان شده و باعث می شوند طفل در این زمینه سخت تر برخورد کند ، آن عوامل بسیار و از آن جمله است :
- پناه داشتن کودکان بدینگونه که طفل خطائی درخور تنبیه مرتکب شده و بهنگامی که والدین قصد تنبیه آنها را داشته باشند به اجداد پناه برده و آنها او را بیدیرند .
- بهنگامی که مادر کودک خود را ساکت و سها نمی گذارد - دائم با او سرگرم است .
- بهنگامی که با اندک آه و ناله ای مادر کودک را در بغل می گیرد و او را نوازش می کند .

- زمانی که مادر دلوپسی های شدید از خود بروز دهد و مثلا " با مختصر بیماری و کسالتی او را به نزد پزشک برد .
- مواقعی که مادر برای مقاومت اولیه کودک مقاومت خود را از دست بدهد .
- و بالاخره زمانی که مادر در رابطه با کودک اضطراب شدیدی از خود بروز دهد و با کمترین طردی که از کودک می بیند از عجز و لایسه سردرآورد .

زیان ها و عوارض آن

عوارض لوسی و نتری کودکان اگر چه به اندازه احساس حقارت و کمبود محبت نیست ولی بازهم آثار و زیانهای قابل ذکر بسیاری دارد که ما دیلا " به مواردی از آنها اشاره می کنیم :

۱- زیانهای ریستی

افراط در محبت و رسیدگی به کودک مراقبت دائم از او بگونه ای که طفل همیشه چون کادوی بسته پیچیده ای باشد برای سلامت و نشاط او مضر است . تجارب نشان می دهند که این گونه افراد همه گاه عللیل مزاج ، زرد و زار و نزار و در مواردی دچار چاقی افراطی هستند .

رسیدگی و حمایت افراطی سبب عدم تحرک است و این سبب خواهد شد که کودک تنبل و تن پرور بار آید ، اعضای او ورزیده و ماهر نشود ، حتی سلامت و هضم او دچار اختلال گردد . و این ضایعه کوچکی برای کودک نیست .

۲- زیانهای اخلاقی و رفتاری

لوسی کودکان سبب ایجاد عادات ناروا و طلبکارانه ای در کودک می شود .
- تحقیقات لوسی نشان داده اند کودکانی که مادران لوس کننده دارند افرادی پر توقع

پرخاشگر و عصبانی بار می آیند .

بسیاری از اینان افرادی می شوند جیون و ترسو ، دچار خجالت و شرم ، آنچنان که در عرصه نمی توانند بدون کمک مادر قدم بگذارند و البته در آنجا که مسأله طلبکاری مطرح می شود از وقاحت سردر می آورند و از تن دادن بهیچ امری روی گردان نیستند . کار بدی را مرتکب می شوند ولی بنای تند خوئی را می گذارند .

۴- زیانهای روانی

کودکانی که لوس و نتر بار آمده اند عادت می کنند در برابر مسائل و دشواری ها احساس ناامنی کنند و یا در هر موردی گمان کنند که خطری آنها را تهدید می کند .

رفتاری بهانه گیرانه و لجبازانه پیدا کرده و زندگی را بر دیگران تلخ خواهند نمود .

بسیاری از اینان کستاخ ، ناراضی و عاصی بار می آیند و نسبت به بزرگتران بد دهنی می کنند .

همیشه اشک در آستین دارد و به اندک بهانه ای گریه سرداده و زندگی را بر دیگران تلخ خواهد کرد .

او فردی می شود مقاوم بگونه ای که هر چه را بخواهد از شماسی گیرد ، با گریه و یا به زمین کوبیدن .

همه گاه از شا هوس های ناموزون دارنا حدی که می خواهد مرغ را در هوا برای او شکار کنید .

و بالاخره هرچه به او بدهید احساس نیساز بیشتری دارد و باز هم می گوید کم است ، او هرگز سیری نخواهد داشت ، باهیجان وآه و ناله مجبورتان می کند که تسلیم اوشوید .

۳- زیانهای عاطفی

اینگونه کودکان ممکن است یا سه سن بگذارند ولی بلوغ عاطفی ندارند . نمی توانند دیگران را دوست بدارند و یا براحوال دیگران دل بسوزانند ، همه هم و غم شان شخص خودشان وهمه تلاش شان متوجه آن است چه کنند تا بیشتر و بهتر جلب محبت کنند .

از نظر عاطفی همانند کودکی می شوند که در رحم مادر است و ترس دارد از استقلال عاطفی سر درآورد و نیز اصرار دارد تا حدود امکان محبت ها را به خود جلب کند بدون اینکه مایل باشد لحظه ای قسمتی از محبت خود را نثار دیگران کند . می خواهد همه به او دل بسوزانند بدون اینکه در شدید -



دراثر افراط درحمایت ، زمینه برای نا شایستگی رفتار ، فقدان توانائی ، از دست رفتن نیروی ابداع و ابتکار ، تمایل به تکیه و عدم استقلال فراهم می آید . بچه ها کوشی

ندارند که خود را از این وضع نجات بخشند .
 زیرا تدریجا " فاقد اراده می شوند .

پرستاری های افراطی و نوازش ها سبب می شوند که طفل بیش از اندازه به این نوازش عادت کند و در مواردی که کمبودی در این زمینه احساس کند خود را بیمار بداند (بیمار خیالی) و این موجب رنج ، بیکاری و غفلت و مسامحه شود .

احساس سردی از زندگی در موارد جدائی از مادر ، جستجوی دائم خود خواهی ، تن - دادن به گوشه نشینی و انزوا ، ناتوانی در قبال محرومیت ، احتیاج روز افزون به توجه سرانجام احساس بی کفایتی در سنین نوجوانی و جوانی از عوارض دیگر آن است .

۵ - عوارض اجتماعی

لوسی و نری کودکان موجد عوارض اجتماعی بسیاری برای فرد جامعه است :

- اینان به سنین نوجوانی و بلوغ میرسند و ناگهان با دنیائی رویرو می شوند که با آن هیچ آشنائی ندارند . اغلب آنان از ترس تمسخر و تحقیر و نداشتن لیاقت و کارائی لازم از مردم کناره گیری کرده ، می کوشند تا حدود امکان با دیگران مواجه نشوند . وجود اضطراب بگونه عصبی ، ناکامی در زندگی زناشویی و خانوادگی ، احساس خصومت و کینه شدید به دیگرانی که موفقند از دیگر عوارض آن است .

اینان در زندگی اجتماعی همچون افرادی بازداشت شده اند که در برابر خطرات و تهدیدات اجتماعی نمی توانند سرپا بایستند . در اثر نداشتن قدرت سازش با شرایط اجتماعی و با مردم شخصیت خود را از دست می دهند با دیگران دوست نمی شوند و اگر هم بشوند

در آن استمراری نخواهد بود .

هرگونه مسئله و مشکلی برایشان پدید آید آن را به بدبختی وصل می کنند و یا حتی سقوط ار صندلی را برای خود فاجعهای دانسته ، آن را وسیله ای برای سختگیری و لجبازی و طغیان و عصیان قرار میدهند و در حیطه حیات جمعی می خواهند همه گاه دارای تسلط باشند .

بر توفعی آنان باعث می شود که گاهی در برابر قوانین و مقررات جامعه بایستند و دسورات مدرسه و یا اولیاء جامعه را بهیچ انکارند و زحمت خود و آنان را بیشتر سازند . و بالاخره توجه و محافظت بیش از اندازه موجب خفشدن رشد اجتماعی شان می شود و بی کفایتی شان آنان را رجز خواهد داد .



۶ - عوارض اقتصادی

لوسی و نری کودکان برای امروز کودک عارضه اقتصادی در پی ندارد ولی آثار آن برای روزهای بعد مشخص خواهد شد . اینان بزرگ می شوند ولی همچون سالخوردگانی خردسال باقی می مانند . قدرت کار و تلاش و مهارت لازم را برای فعالیت ندارند .

شکست معرفی می‌کنند .

البته زیانهای دیگری هم برای لوس‌ی و تنری شان وجود دارد که در کل طغیان و عصیان تنلی و بیکاره شدن، سد شدن راه رشد به روی آنان، سرخوردگی از جامعه، به سته آمدن والدین ، بهانه گیری کردن و اعمال شرارت بخشی از آنهاست و از ذکر و تفصیل آنها خودداری می شود .

وضعیت بعدی آنان

اگر فردی در طول زندگی با آنها همراه و نظاره گر رفتار و حالات و وضعیت شان باشد در می یابد که وضع بدی را باید متحمل شوند . مورد بی مپری ها ، ناراحتی ها قرار گرفته و فشار روانی دمار از روزگار شان برمی آورد و ای چه بسا امکان دارد از خودکشی سردر آورند . اینان بعدها در عرصه حیات اجتماعی نمی توانند لیاقت و گاردانی خود را نشان دهند ، قابلیت کافی برای مقابله با مشکلات را ندارند و در نتیجه احساس حقارت کرده و گاهی هم ناگزیر زمینه برای حسادت شان نسبت به افراد موفق فراهم می شود .

در آغاز خود را از همه طلبکار می بینند و کردن می افزایند ولی بعدها چنان سرخورده و مأیوس می شوند که می ترسند در برابر مسائل و امور قد علم کنند و یا از حق خود دفاع نمایند . از دستیابی به خواسته های خود عاجز مانده و هیچ کاری از آنان ساخته نخواهد بود .

کودکی که نتوانسته در غذا و لباس پوشیدن و راه رفتن و درس خواندن ، و حتی در خوابیدن مستقل بار آید در آینده چگونه

زندگی درصد قابل توجهی از اینسان در بزرگسالی به نابودی کشانده می شود از آن بابت که نمی توانند سرپا ایستاده و استقلال اقتصادی خود را حفظ کنند . هم چنین چون آنها با دشواری های کار خونگرفته‌اند قدرت تحمل آن و مبارزه با آن را ندارند .

منازه سفاکه در بازار کار کسی حامی آنها نیست و عرصه هیچ جامعه‌ای بگونه ای نیست که بتواند پذیرای آنان و همکار و همکام با آنان شود . آمادگی مقابله با مشکلات شان صفر و پذیرش مسئولیت در آنان بسیار اندک است . کاری هم اگر پیدا کنند سبندی بر سود بری از سرمایه گذاری است نه ناشی از مهارت و فن و ابداع که آن تن دادن به مشکلات را می طلبد .

۷- زیانهای تحصیلی و فرهنگی :

کودکان لوس‌نور هم بخاطر شرم و خجلت و هم بخاطر غرور و خود خواهی در مدرسه گوش به معلم فرا نمی دهند ، اگر اشکالی در درس و برنامه داشته باشند از کسی نمی پرسند ، اهل بحث و بررسی با دیگران نیستند و این خود زمینه ساز عقب ماندگی تحصیلی است .

معلمین این گونه بچه ها در مدرسه دشواری هایی دارند از آن بابت که والدین چنین کودکانی دائما " مزاحم آنها می شوند و برای کودک و رشد و پیشرفت شان راه حلی می خواهند که دست به ترکیب شان نخورد و دلی از آنان آزرده نگردد .

در مدرسه کسی با آنها نمی جوشد ، خود معلم هم با او نمی تواند رابطه‌ای سواى از دیگران داشته باشد در نتیجه تنها می مانند و وضع درس و کارشان خوب نیست . اگر سر دیکته‌ای معلم بگوید و آنها عقب بیفتند به‌اشک و آه و نگرین می پردازند و وجود معلم را عامل

شیوه های اصلاح

حال فرض کنیم که فرزند شما بهر علتی دچار لوسی و نتری شده - چه راه و شیوه ای در پیش بگیریم تا آنها را از این دام برهانیم؟ در اینجا نکات و توصیه هائی است که برخی از آنها بدینترانند :

۱- رعایت اصل اعتدال

نخست به شما توصیه می کنیم که اصل اعتدال در زندگی و تعادل درمشی و روش را در پیش گرفته و برخورد بقبولانید. با خود قرار بگذارید که از این پس: هیچانم را کنترل خواهم کرد. در مسیر محبت و نوازش جانب اعتدال را رعایت خواهم نمود. اگر مشکلی برای فرزندم پیش آمد دستیاچه نخواهم شد، به فرزندم توجه می کنم نه بگونه ای که او از آن سوء استفاد کند. محبت و عنایتیم را پل بهانه گیری و لجبازی او قرار نخواهم داد. در برابر گریه و بهانه گیریهای او تسلیم نخواهم شد. سعی دارم اشک دیدگانش مرا نلرزاند و مرا به ستوه نیآورد. من هم چون دیگر مادران خواهم شد که فرزند خود را دوست دارند ولی کلفت و تحت فرمانش نیستند. محبت دارند ولی محبت متعادل عامل لوسی نخواهد شد. کودکم را دوست دارم ولی در برابر بیماری او خود را نمی بازم، اشکم سرازیر نمی شود و

۲- تذکر اعتدال

اگر در سازندگی خود موفق شدید اینک فرصت آن است به فرزندتان تذکر دهید که راه و رسم عاقلانه حیات را در پیش گیرد و این راه و رسم را به او بیاموزید. به او بیاموزید که همه

فردی خواهد بود؟ جز این است که باید وابسته هم چنان وابسته بماند و یا ترک زندگی گوید؟

عارضه آن برای دختران

عارضه لوسی و نتری برای همه دشواری آفرین و زحمت افزاست و برای دختران این عارضه سنگین تر و دشوارتر است. زیرا آنها را چند نقش و مسئولیت مهم است که ایفای آنها بالوسی و نتری سازگار نیست.

- ازیک سو باید همسر باشند و زندگی زناشویی با لوسی و نتری سازگاری ندارد. در گیری ها بگو مگوها، ترک ها و طردها اغلب در این رابطه اند.

- از سوی دیگر باید مادر شوند و به ایفای وظیفه مادری بپردازند. مادران لوس و نتر چگونه از عهده حل و رفع مشکلات فرزندانشان برمی آیند و اصولاً آنها چگونه فرزندانی را پرورش خواهند داد؟

- و بالاخره از جهت سوم خود انسانند و باید سرپا بایستند و در این جهان پیر از اقاراد خود خواه و مستقل از زندگی و افکار خود دفاع کرده و سرپا بایستند.

بدین نظر تربیت ناشیانه و لوس پروری

فرزندانشان یک اشتباه و درباره دختران این یک خیانت است. زیرا آینده او و همسر و فرزندانش را باخطر خواهد انداخت. این دختران بزرگ می شوند ولی از نظر روانی هم چنان در کودکی و وابستگی بسر می برند و هیچگاه به سن رشد روانی نمی رسند بخشی از سرد مزاجی ها و عادات ماهانه دردناک دختران در رابطه با لوس پروری آنهاست.

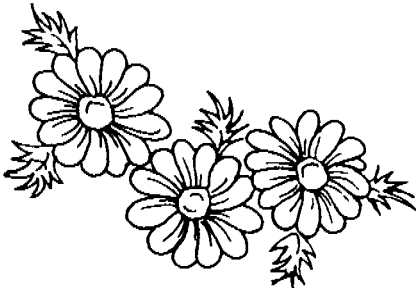
برابر بدخلفی او راه بی‌اعتنائی درپیش‌گیرید و گاهی او را با خود تنها بگذارید و یا او را با اسباب بازی و وسیله‌ای سرگرم کنید و برای گریه اش دل نسوزانید .

از حمایت او تدریجا " دست بردارید . بگذارید خودش خودش غذایش را بخورد ، خودش لباسش را بپوشد ، خود به دستشویی برود با پای کوچک خود راه بیاید ، به تناسب سن مسئولیتی در خانه قبول کند ، تا فردی مستقل با شخصیت و فعال ، و با اراده بارآید .

۴ - هماهنگی با دیگران

در رابطه با مشی که درپیش گرفته اید سعی داشته باشید دیگران را با خود همگام کنید مثلا " از خاله و عمه و دیگر افراد مورد توجه و علاقه کودک بخواهید در این رابطه با شما همکاری کنند . دست از روش سهل‌گیری و آزاد گذاری بردارند ، در برابر شما موضعی مخالف نگیرند ، اگر شما کودک را تنبیه می - کنید آنها با شما در نیفتند که این خلاف تربیت است .

از آنها بخواهید که در رابطه با تربیت فرزند شما نازکدلی را کنار بگذارند . عشق و عاطفه را وسیله تخریب و صدمه کودک قرار ندهند و اگر در این برنامه موفق نشده‌اید حتی می‌ارزد که از دیگران ببرید و یا قطع رابطه کنید . زیرا مسئولیت شما در قبال کودکان سنگین تر است .



وظیفه ندارند توقع او را برآورده سازند ، و یا تحسین و تشویق او را برعهده گیرند .

او باید بیاموزد که برای خود شخصیتی دارد ، و کمتر از دیگران نیست ، باید سرپا بایستد ، مسئولیت قبول کند ، خود خویشتن را بیاید ، مردم خدمتکار او نیستند و ناز کسی را نمی‌خرند . باید به او تذکر داد که حق ندارد روی میز راه برود ، دیوار را خراب کند یا سه چرخه دراطاق راه برود ، همه چیز را از مادر توقع کند . و نیز باید به او آموخت که همه درخواستهایش عاقلانه نیست . اگر عاقلانه باشد نیازی به گریه و بهانه‌گیری ندارد ، مادر خود آن را برای او تهیه خواهد کرد

۳ - بی‌اعتنائی :

پس از اینکه آگاهی‌ها و تذکرات لازم را تدریجا " به او داده‌اید اینک وقت آن است که به مرحله اجرا توجه کنید بدینگونه :

دیگر با شروع گریه او را بغل نکنید ، سعی کنید برطلبکاری و توقع او نیفزائید . اگر تشخیص دادید که ناراحتی جدی ندارد و در عین حال فریاد می‌زند دقایقی او را به حال خود بگذارید و به جیغ و دادش بی‌اعتنائی کنید . گاهی که طفل را به ضرورتی بغل کردید زودتر او را به زمین بگذارید و بگوئید که کار دارید و خودش باید راه برود و عادت کند . او را دوستانه قانع کنید که شما را ناراحت نکند . اگر هم قانع نشد شما از نظر خودتان عدول نکنید ، با قاطعیت به پیش روید .

گاهی او از راه نق زدن از شما چیزی می‌طلبد به او تفهیم کنید که از این راه بجائی نخواهد رسید باید آرام شود و نقاضا کند . در